

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۸ جولای ۲۰۲۲



محمد محق

قتل سلفیان در دوران طالبان

در دوران جمهوریت همه گروه‌های دینی، علی‌رغم تاخت و تاز بر نظام، آزادانه فعالیت داشتند، زیرا دموکراسی، حتی بسیار کمجان و نارسا، از پرادمعترین نظام‌های به اصطلاح اسلامی، ظرفیت بیش‌تری برای تحمل و مدارا دارد. از زمانی که طالبان بر کشور مسلط شده‌اند آن مدارا جایش را به فشار و سرکوب داده، به ویژه برای سلفیان افغانستان، که طبق گزارش‌ها چند صد نفر شان تا به حال کشته و به همین شمار یا بیش‌تر دستگیر و زندانی شده‌اند. بسیاری از مردم نمی‌دانند که چرا این گروه‌ها نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند، و حتی نمی‌دانند که سرکوب سلفی‌ها خوب است یا بد، به سود کشور است یا به زیان آن؟

سلفیت یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. در معنای خاص، کسانی خود را سلفی می‌دانند که تقلید دریست از مذهب فقهی مشخصی را نادرست دانسته و معتقدند که می‌توان از میان آرای فقهای گذشته و مذاهب فقهی شان دست به گزینش زد؛ چنان‌که ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب گفته‌اند، و نام وهابیت نیز از همان جا می‌آید، هرچند خود شان آن را نمی‌پسندند. سلفیت در معنای عام، عبارت از برتر دانستن فهم گذشتگان بر فهم معاصران، و دست کشیدن از عقل خود در برابر عقل آنان است. عنصر تقلید و دنباله‌روی و بیگانگی با تفکر اجتهادی و عقلائیست مستقل در هر دو طیف مشترک است، اما یک طیف به دنباله‌روی از تک تک اقوال گذشتگان روی می‌آورد و طیف دیگر به دنباله‌روی کلی از متود فکری آنان.

سلفیت نامی جدید برای جریانی قدیمی است که در سده‌های نخست تاریخ اسلام به نام اهل حدیث یا اهل خبر و روایت شناخته می‌شد و در تقابل با جریان عقل‌گرای مسلمان موسوم به اهل رأی قرار داشت. ویژگی مهم جریان نخست تکیه بر ظاهر آیات و احادیث بود، در حالی که جریان دوم به تفکر عقلانی و تفسیر خردپسند از دین گرایش داشت، و مذهب حنفی آن دوران مهم‌ترین شاخه فقهی این جریان بود.

بنیانگذار مذهب حنفی، امام ابو حنیفه، در برابر دنباله‌روی از گذشتگان موضع قاطعی داشت با این جمله معروفش: "هم رجال و نحن رجال" یعنی اگر آنان کسی بوده‌اند ما هم کسی هستیم، منظورش این بود که ما خود دارای فکر و نظریه و نیازی به دنباله‌روی از آنان نداریم. در سده‌های متأخر، بسیاری از مدارس حنفی از این روحیه عقل‌گرایانه فاصله گرفته، مانند اهل حدیث به دنباله‌روی و تقلید محض روی آوردند، که تجسم بارز آن در شبه قاره هند میراث شاه ولی الله دهلوی و سپس مدرسه دیوبند است، همان که تبار فکری طالبان به آن جا می‌رسد، نسخه‌ای سلفی از حنفیت. با توجه به این مبنای فکری، طالبان به ظاهر حنفی با القاعده و داعش کاملاً سلفی تفاوتی ندارند، و آنچه سبب دشمنی میان آنان می‌شود رقابت بر سر تصاحب قدرت است. این رقابت شباهت دارد به رقابت حزب اسلامی و جمعیت اسلامی با تبار مشترک اخوانی، و رقابت حزب خلق و حزب پرچم با تبار مشترک مارکسیستی-لنینیستی. تجربه نشان داده است که جریان‌های ایدئولوژیک به تصفیه‌های خونین روی می‌آورند، مانند کار ستالین با طرفداران تروتسکی، حزب دموکراتیک خلق با طرفداران مائو و دو حزب اخوانی بزرگ افغانستان با نبردهائی خونین. متوقف کردن چرخه خشونت و کشتار با چیرگی قهرآمیز یک گروه و تصفیه گروه‌های دیگر حاصل‌شدنی نیست؛ راه درست آن تن دادن به تکثر اندیشه، تنوع سلیقه‌های سیاسی، غیر ایدئولوژیک کردن ساختار قدرت، چرخشی ساختن روند دولتداری، و روی آوردن به نظامی واقعاً دموکراتیک است که در آن همه گروه‌ها حق داشته باشند به شیوه مسالمت‌آمیز فعالیت کنند و اگر طرح و برنامه‌ای دارند از طریق مذاکره به پیش ببرند.